

Meta-Analysis of Factors Influencing Rural Entrepreneurship in Afghanistan

Nawroaz Mozaffari¹, Mohammad Fahim Rahimi²

1. Lecturer, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan. (Corresponding Author) Email: nawroazmozaffari@gmail.com
2. Lecturer, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan
Email: fahim.rahimi1992@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 09/08/2025
Received in revised form: 23/08/2025
Accepted: 13/09/2025
Available online: 21/09/2025

Keywords:

Pareto optimality, Islamic economics, conventional economics, economic justice, economic efficiency, ethical optimization, welfare theory.

ABSTRACT

One of the fundamental concepts in conventional economic theories is "Pareto efficiency," which is recognized as a criterion for economic efficiency in resource allocation. This criterion is based on the principle of increasing individual utility without decreasing the utility of others and holds a special place in classical economic analyses. However, criticisms have been leveled against this criterion by justice-oriented schools of thought, especially Islamic economics. The present study, with a comparative approach, analyzes the conceptual and evaluative aspects of Pareto efficiency from the perspectives of Islamic economics and conventional economics. The research methodology in this study is descriptive-analytical, and data was collected through documentary methods using valid scientific sources. The findings indicate that while conventional economics seeks allocative efficiency within a free market framework, Islamic economics emphasizes the integration of justice, efficiency, and Sharia legitimacy. In fact, Islamic economics replaces the purely technical concept of Pareto optimality with "ethical optimization." Furthermore, an examination of modern global economic theories such as sustainable development and human well-being reveals a growing tendency towards justice-oriented models, which aligns with the foundations of Islamic economics. Consequently, a re-evaluation of the concept of economic optimization and the presentation of an integrated Islamic-human-centered model can be an effective step towards justice-oriented economic development in the contemporary world.

Cite this article: Mozaffari, N. & Rahimi, M. (2025). Meta-Analysis of Factors Influencing Rural Entrepreneurship in Afghanistan, *Kateb Journal of Economics and Management*, 4 (1), 83-104.



فرا تحلیل عوامل مؤثر بر کار آفرینی روستایی در افغانستان

نوروز مظفری^۱ ✉، محمد فهیم رحیمی^۲ ID

۱. استاد پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

ایمیل: nawroazmozaffari@gmail.com

۲. استاد پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان.

ایمیل: fahim.rahimi1992@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

کار آفرینی روستایی در افغانستان، به رغم برخورداری از منابع طبیعی و ظرفیت‌های بوم‌شناختی، با چالش‌های ساختاری عمیق و پارادوکس‌های محیطی روبه‌رو است. این تحقیق با هدف شناسایی و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر اکوسیستم کار آفرینی روستایی در افغانستان انجام شده است، تا ضمن تحلیل موانع بازدارنده، پیشران‌های اشتغال پایدار را در بستر تحولات اخیر تبیین کند. روش تحقیق حاضر، بر فرا تحلیل کیفی و مرور نظام‌مند ادبیات نظری، تحقیقات علمی و گزارش‌های معتبر نهادهای بین‌المللی استوار است. یافته‌های کلیدی تحقیق نشان می‌دهند که کار آفرینی در این جغرافیا از یک الگوی «فرصت‌محور» به سمت الگوی «اجبارمحور» و معیشتی تغییر ماهیت داده است؛ جایی که کسب و کارهای خرد روستایی، بویژه در حوزه صنایع دستی و مشاغل خانگی زنان، به مثابه «پناهگاه اقتصادی» برای تاب‌آوری در برابر فقر مطلق عمل می‌کنند. همچنین، این مطالعه نقش نوظهور تجارت دیجیتال و مدل‌های تأمین مالی مبتنی بر ابزارهای مالی اسلامی (مانند مرابحه، مضاربه و...) را در عبور از بن‌بست‌های بانکی و انزوای جغرافیایی برجسته می‌سازد. از منظر نظری، این تحقیق بر ضرورت بومی‌سازی مدل‌های کار آفرینی و بازنگری در نظریه‌های بازشناسی فرصت در جوامع متأثر از شکنندگی نهادی، تأکید دارد. دلالت‌های کاربردی تحقیق نیز حاکی از آن است که گذار از اقتصاد معیشتی به توسعه پایدار، مستلزم تقویت زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی، اصلاح زیرساخت‌های دیجیتال و ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای بین‌المللی، دولت و جوامع روستایی برای شکل‌دهی به یک اکوسیستم کار آفرینی پویا است.

نوع مقاله:

مقاله تحقیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

واژه‌های کلیدی:

کار آفرینی روستایی، اکوسیستم کار آفرینی، توسعه پایدار، موانع ساختاری و اقتصاد معیشتی

استناد: مظفری، نوروز، رحیمی، محمد فهیم (۱۴۰۴). فرا تحلیل عوامل مؤثر بر کار آفرینی روستایی در افغانستان.

دوفصلنامه اقتصاد و مدیریت کاتب، ۴ (۱)، ۸۳-۱۰۴



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

کارآفرینی روستایی در ادبیات توسعه معاصر، نه تنها به عنوان یک فعالیت اقتصادی ساده، بلکه به مثابه موتور محرک توسعه پایدار و ابزاری راهبردی برای تغییر ساختار جوامع محلی شناخته می‌شود. این پدیده نقش کلیدی در کاهش فقر، اشتغال‌زایی، معکوس‌سازی روند مهاجرت و تقویت تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تکانه‌های محیطی و اقتصادی ایفا می‌کند. (رضوانی، ۱۳۸۳؛ Maia, 2002). اهمیت این موضوع در اسناد بین‌المللی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است؛ به طوری که نهادهایی همچون UNDP و FAO، کارآفرینی را پاسخی هوشمندانه به چالش‌های معیشتی در کشورهای در حال توسعه قلمداد کرده و بر نقش نوآوری‌های محلی در تحقق اهداف توسعه هزاره تأکید می‌ورزند. (UNDP, 2021; FAO, 2020). با این حال، تحقق این پتانسیل نیازمند شناخت دقیق اکوسیستمی است که کارآفرین در آن فعالیت می‌کند؛ اکوسیستمی که از تعامل پویای عوامل درونی (انگیزه و خلاقیت)، عوامل بیرونی (سرمایه و بازار) و چهارچوب‌های نهادی (قوانین و امنیت) شکل می‌گیرد. (Isenberg, 2011)

در جغرافیای سیاسی و اقتصادی افغانستان، مسأله توسعه روستایی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. بر اساس آمارهای جهانی، حدود ۷۳٪ از جمعیت این کشور در مناطق روستایی سکونت دارند و معیشت اکثریت آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به زراعت و مالداری وابسته است. (World Bank, 2023) با وجود این تمرکز جمعیتی، روستاهای افغانستان با چالش‌های ساختاری عمیقی دست‌به‌گریبان هستند. فقر مطلق در میان ۶۸٪ از جمعیت روستایی (UNDP, 2022)، کمبود زیربنای اساسی، دسترسی محدود به بازارهای ملی و بین‌المللی و ضعف در نظام آموزشی، اتمسفری از محدودیت را ایجاد کرده است که منجر به تداوم بیکاری و مهاجرت‌های گسترده شده است. (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰) علاوه بر این، تحولات سیاسی اخیر و محدودیت‌های اجتماعی، بویژه در حوزه مشارکت اقتصادی زنان که پیشتر سهم مهمی در صنایع دستی و زراعت خانگی داشتند، فشار مضاعفی بر پویایی کسب‌وکارهای روستایی وارد کرده است. (Data Portal, 2024)

علیرغم وجود این بن‌بست‌های ساختاری، افغانستان واجد ظرفیت‌های نهفته‌ای است که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند ورق را به نفع توسعه برگرداند. منابع طبیعی غنی، مزیت‌های نسبی در محصولات استراتژیک مانند زعفران، صنایع دستی منحصر به فرد و نیروی کار جوان، پتانسیل‌های بالقوه‌ای هستند که می‌توانند در قالب خوشه‌های کارآفرینی تبلور یابند. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه زیربنای دیجیتال به تنهایی می‌تواند تا ۳۰٪ فرصت‌های شغلی جدید در این حوزه خلق کند. (Journal of Rural Studies, 2020) با این حال، پرسش اساسی این‌جاست که چرا با وجود دهه‌ها اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، این پتانسیل‌ها به شکوفایی نرسیده‌اند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر رویکردهای پیشین به دلیل نگاه تک‌بعدی، عدم توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی، اقلیمی و نادیده گرفتن تعاملات پیچیده میان متغیرهای مداخله‌گر، در ارائه یک الگوی موفق ناکام مانده‌اند. (Chowdhury, 2007)

خلاً اساسی در ادبیات تحقیقی موجود، فقدان یک تصویر جامع و یکپارچه از «نظام عوامل» مؤثر بر کارآفرینی روستایی در افغانستان است. مطالعات انجام‌شده تاکنون عمدتاً پراکنده، موردی و محدود به یک

بعد خاص (مثلاً صرفاً اقتصادی یا صرفاً زیرساختی) بوده‌اند. این تشتت در نتایج و یافته‌ها، سیاست‌گذاران را در تشخیص اولویت‌های مداخله دچار سردرگمی کرده است. از این رو، ضرورت دارد با استفاده از یک روش‌شناسی نظام‌مند، یافته‌های پژوهش‌های پیشین و گزارش‌های معتبر بین‌المللی مورد واکاوی مجدد قرار گرفته و در قالب یک ساختار منسجم سنتز شوند.

براین اساس، تحقیق حاضر با اتخاذ رویکرد فراتحلیل کیفی (Qualitative Meta-Analysis) و مرور نظام‌مند ادبیات، به دنبال پاسخ به این مسأله محوری است که «محرک‌های کلیدی و موانع بازدارنده کارآفرینی روستایی در بستر کنونی افغانستان کدامند و چگونه می‌توان این عوامل را در قالب یک مدل تحلیلی جامع دسته‌بندی کرد؟» این مطالعه با هدف فرارفتن از تحلیل‌های تک‌متغیره، به دنبال شناسایی پنج دسته از عوامل است: عوامل اقتصادی و ساختاری، مالی و اعتباری، اجتماعی و جنسیتی، زیرساختی و فناوری و محیطی و اقلیمی. ضرورت این تحقیق در آن است که با ارائه یک چهارچوب علمی و عملی، مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های توسعه روستایی افغانستان فراهم آورد تا از رویکردهای کلیشه‌ای به سمت مداخلات مبتنی بر واقعیت‌های اکوسیستم کارآفرینی حرکت شود.

۲) مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کارآفرینی روستایی در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی توسعه پایدار و راهبردی برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه، بویژه در جوامع آسیب‌پذیری همچون افغانستان، مطرح شده است. (Yar, 2023) تبیین مبانی نظری این پدیده فراتر از یک فعالیت اقتصادی صرف، مستلزم درک پیوندهای پیچیده میان عاملیت انسانی، ساختارهای نهادی و بسترهای جغرافیایی است. در کشورهایی که با بحران‌های نهادی مزمن و بی‌ثباتی امنیتی روبه‌رو هستند، کارآفرینی روستایی نه‌تنها ابزاری برای انباشت سرمایه، بلکه سازگاری حیاتی برای بقا و تاب‌آوری اجتماعی در برابر شوک‌های محیطی محسوب می‌شود. (Yar & Rahami, 2025). این ماهیت چندبعدی ایجاب می‌کند که پیش از هرگونه تحلیل تجربی، مرزهای مفهومی و نظریه‌های پشتیبان آن در بستر مکان‌مندی روستا واکاوی گردند.

در همین راستا، ادبیات علمی تمایز ظریفی میان «کارآفرینی در روستا» و «کارآفرینی روستایی» قائل است؛ به طوری که رویکرد دوم بر بهره‌گیری خلاقانه از منابع محلی و پیوند ناگسستنی با هویت مکانی تأکید می‌ورزد. (Müller & Korsgaard, 2018) براین اساس، کارآفرینی روستایی فرایندی است که در آن فرصت‌های کسب‌وکار از طریق ترکیب منابع نایاب در بستر فضا و مکان شناسایی و بهره‌برداری می‌شوند. (Islas-Moreno et al., 2021) این پدیده در کشورهای در حال توسعه معمولاً در سه محور اصلی قابل شناسایی است: بعد فضایی که چالش‌های دوری از بازار و محدودیت دسترسی به زیرساخت‌ها را پوشش می‌دهد. (Stathopoulou et al., 2004)؛ بعد اجتماعی که بر نقش شبکه‌های قبیله‌ای و هنجارهای سنتی در مشروعیت‌بخشی به کسب‌وکار متمرکز است (Welter, 2011) و بعد نهادی که تعامل میان قواعد رسمی دولتی و عرف‌های محلی را تبیین می‌کند. (Williams & Vorley, 2015)

در تحلیل اقتصادی این ابعاد، اگرچه از منظر کلاسیک شومپتری، کارآفرین عاملی است که با «تخریب خلاق» تعادل ایستا در محیط‌های سنتی را برهم می‌زند (Drucker & Maciariello, 2014)، اما در بستر

افغانستان، نظریه «کارآفرینی از روی ناچاری» (Necessity-based) «در تقابل با کارآفرینی فرصت‌گرا اهمیت بیشتری می‌یابد. در مناطق روستایی که نرخ بیکاری بالا و فقر مطلق حاکم است، کارآفرینی غالباً به‌عنوان یک استراتژی بقا برای تأمین معیشت پایه ظاهر می‌شود. (Althalathini, 2020) در چنین شرایطی، نظریه «بريجولاژ» (Bricolage) تبیین می‌کند که چگونه کارآفرینان روستایی از طریق ترکیب مجدد منابع محدود و در دسترس، به خلق ارزش می‌پردازند. (Li et al., 2025) این رویکرد بویژه در سطوح نهادی و شبکه‌ای، ابزاری برای ناوبری در محیط‌های بحرانی فراهم می‌آورد. با این حال، کنش‌های اقتصادی کارآفرینان در خلأ رخ نمی‌دهند و به‌شدت تحت تأثیر محیط نهادی شامل قوانین، هنجارها و باورها قرار دارند. (North & Smallbone, 2020) در جوامع روستایی افغانستان، پدیده «عدم تقارن نهادی» منجر به شکاف عمیقی میان نهادهای رسمی (قوانین دولت) و نهادهای غیررسمی (عرف قبیله‌ای و کدهای مذهبی) شده است. (Williams & Vorley, 2015) این تضاد ساختاری باعث می‌شود بسیاری از کارآفرینان روستایی برای اجتناب از فساد و بوروکراسی ناکارآمد، در بخش غیر رسمی فعالیت کنند؛ فعالیتی که اگرچه از نظر دولت غیر رسمی است، اما به دلیل تبعیت از عرف‌های محلی، از مشروعیت اجتماعی بالایی برخوردار است. (Yar & Zarghani, 2024) در این میان، نهادهایی مانند شوراهای انکشافی محلی (CDCs) نقش واسطه‌ای را در پیوند میان این دو حوزه ایفا می‌کنند. (Nixon, 2007)

در غیاب کارکردهای حمایتی نهادهای رسمی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبع جایگزین و حیاتی برای کارآفرینان روستایی عمل می‌کند. این سرمایه در سه سطح «پیوندی» (روابط درون‌گروهی برای تأمین منابع اولیه)، «پل‌زننده» (ارتباط با بازارهای شهری) و «پیونددهنده» (رابطه با نهادهای قدرت) بر پویایی کسب‌وکارها تأثیر می‌گذارد (Mickiewicz & Rebmann, 2020). در مناطق متأثر از جنگ در افغانستان، سرمایه اجتماعی نه تنها یک منبع اقتصادی، بلکه سازوکاری برای «تاب‌آوری رادیکال» است که تداوم فعالیت‌های تولیدی را در میان بی‌ثباتی‌های سیاسی ممکن می‌سازد. (Yar & Rahmai, 2025) این شبکه‌های اعتماد، بخشی از پنج‌ضلعی سرمایه‌هایی هستند که در چهارچوب معیشت پایدار (SLF) برای تحلیل توانمندی روستاییان به کار می‌روند (Tabares et al., 2022)

چهارچوب معیشت پایدار نشان می‌دهد که کارآفرینی روستایی در افغانستان یک «راهبرد تنوع‌بخشی» برای خروج از وابستگی مطلق به کشاورزی دیم و مقابله با شوک‌های اقلیمی و سیاسی است. (Yar & Musadiq, 2024). مدیریت این دارایی‌ها با منازعه میان دو رویکرد توسعه «برونزا» (تکیه بر کمک‌های خارجی) و «درونزا» (تکیه بر پتانسیل‌های محلی) گره خورده است (Li et al., 2025) اگرچه مدل‌های برونزا در دهه‌های اخیر غالب بوده‌اند، اما نظریه توسعه نئو درونزا پیشنهاد می‌کند که پایداری واقعی در گرو پیوند دادن منابع بومی با شبکه‌های جهانی و تکنولوژی‌های نوین است (Nixon, 2007) در این راستا، بومی‌سازی نظریه‌ها در افغانستان منجر به ظهور مفهوم «مدیریت جهادی» شده است که بر مبنای ارزش‌های اسلامی و روحیه ایثار، کارآفرینی را با خیر جمعی و تاب‌آوری اقتصادی پیوند می‌زند (Yar & Zarghani, 2024)

در نهایت، پیوند این مبانی نظری با منطق فراتحلیل کیفی، امکان سنتز مطالعات پراکنده پیرامون افغانستان را فراهم می‌سازد. استفاده از چهارچوب نظری «پیش‌آیند-اجرا-پیامد» (AIO) به محققان اجازه می‌دهد تا عوامل شناسایی شده را در دسته‌های منطقی طبقه‌بندی کند. (Li et al., 2025) پیش‌آیندها براساس نظریه نهادی و معیشت پایدار (امنیت و زیرساخت) بخش اجرا بر اساس نظریه بریجولاز و سرمایه اجتماعی (سازکارهای انطباقی) و پیامدها بر اساس نظریه توسعه محلی (توانمندسازی و کاهش مهاجرت) استخراج می‌شوند. این رویکرد ترکیبی اطمینان می‌کند که کدگذاری داده‌ها نه تنها بر مبنای دانش جهانی، بلکه با تکیه بر واقعیت‌های منحصربه‌فرد و پیچیده جامعه روستایی افغانستان صورت گیرد. (Dovetail, 2024; Yar & Zarghani, 2024)

همچنان مرور نظام‌مند ادبیات کارآفرینی روستایی نشان‌دهنده یک تحول پارادایمی از رویکردهای تک‌بعدی اقتصادی به سمت مدل‌های پیچیده اکوسیستمی و اجتماعی-فضایی (Socio-spatial) است. این بخش با دسته‌بندی مطالعات در سه سطح کلان، میانی و خرد، به واکاوی سنت‌های تحقیقی موجود و شناسایی خلأهای تبیینی در بستر افغانستان می‌پردازد.

در حوزه مدل‌سازی سیستمیک، لی و همکاران (۲۰۲۵) با استفاده از روش مرور نظام‌مند و تحلیل کتاب‌سنجی (B-SLR)، اکوسیستم کارآفرینی روستایی را در قالب یک «سیستم انطباقی پیچیده (CAS)» تحلیل کردند. آن‌ها با ارائه چهارچوب «پیش‌آیند-اجرا-پیامد» (AIO)، نقش فناوری دیجیتال را به‌عنوان یک «واسطه انطباقی» برای عبور از محدودیت‌های نهادی و فرهنگی معرفی نمودند. همچنین مولر و کورسگارد (۲۰۱۸) در مطالعه کیفی بر روی کارآفرینان روستایی در اروپا، نشان دادند که کارآفرینی روستایی فراتر از یک مکان جغرافیایی، محصول تعامل میان «حس مکان» و «عاملیت انسانی» است. یافته‌های آن‌ها تأکید می‌کند که بهره‌برداری از منابع مکانی، کلید تمایز میان کارآفرینی «در» روستا و کارآفرینی «روستایی» است.

سیارلی، پارتو و ساوونا (۲۰۱۰) در افغانستان با تحلیل داده‌های بررسی ملی ریسک و آسیب‌پذیری (NRVA)، به نتیجه‌ای متعارض دست یافتند؛ آن‌ها نشان دادند که تأثیر منفی مستقیم جنگ بر تمایل خانوارها به کارآفرینی به‌طور شگفت‌آوری کوچک است، زیرا در غیاب اشتغال رسمی، کارآفرینی خرد به تنها راهبرد بقا تبدیل می‌شود. این یافته با نظریه «تاب‌آوری رادیکال» الثلاثینی (۲۰۲۰) هم‌سو است که نشان می‌دهد زنان کارآفرین در مناطق جنگ‌زده (افغانستان، عراق و فلسطین) چگونه از طریق شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی، محدودیت‌های نهادی را دور می‌زنند.

یار و نژاد (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های کارآفرینی روستایی در افغانستان»، با روش اسنادی-کتابخانه‌ای به شناسایی چالش‌هایی همچون ناامنی، فقدان زیرساخت‌های بانکی و موانع سنتی پرداختند. آن‌ها فرصت‌های بالقوه‌ای نظیر زمین ارزان و منابع طبیعی بکر را شناسایی کردند که به دلیل ضعف نهادی بلااستفاده مانده‌اند.

در حوزه تأمین مالی، حیدری (۲۰۲۴) تأثیر نظام‌های مالی سنتی را بر اقتصاد افغانستان بررسی کرد. یافته‌های وی نشان می‌دهد که در غیاب بانکداری مدرن، سیستم «حواله» و اعتبارات غیررسمی

(Ogravi) نقش حیاتی در حفظ زنجیره ارزش روستایی و ایجاد اشتغال ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، هاشمی و شایق (۲۰۲۵) در ولایت بامیان با استفاده از تحلیل عاملی، شش پیشران کلیدی از جمله «دانش و آگاهی»، «زیرساخت» و «اعتماد به نفس» را شناسایی کردند که در مجموع ۶۹.۲۸٪ از واریانس موفقیت کارآفرینی کشاورزی را تبیین می‌کنند.

حسینی نیا و فلاحی در سال ۱۳۹۶ عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در روستاهای شهرستان منوجان را در قالب نه مقوله اصلی طبقه‌بندی کردند که شامل عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی، زیرساختی، طبیعی و بوم‌شناختی، قانونی، آموزشی، نهادی، سیاسی و اقتصادی بود. این تقسیم‌بندی جامع نشان‌دهنده پیچیدگی و چندبعدی بودن عوامل مؤثر بر کارآفرینی روستایی است. در همین راستا، شاطریان و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مطالعه خود بر روی زنان روستایی شهرستان کاشان، عوامل محیطی - جغرافیایی و دسترسی به امکانات را به عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های وضعیت کارآفرینی زنان روستایی معرفی کردند.

دهمرده و داورپناه در سال ۱۳۹۹ در تحلیل موانع کارآفرینی روستایی در شهرستان زابل، ضعف در شبکه بازاریابی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری، دور بودن از مرکز توجهات، هزینه‌های سربار ناشی از فاصله زیاد جهت تأمین مواد اولیه، دور بودن از بازارهای اصلی، عدم وجود زیرساخت‌های تولیدی و ضعف مراکز آموزشی را به عنوان تأثیرگذارترین موانع شناسایی کردند. این یافته‌ها بر اهمیت عوامل مکانی و دسترسی در موفقیت کارآفرینی روستایی تأکید دارد.

تحلیل مقایسه‌ای مطالعات فوق نشان‌دهنده وجود توافق بر روی عواملی نظیر سرمایه اجتماعی و زیرساخت است، اما در مورد تأثیر «تامنی» و «حمایت‌های بیرونی» نتایج متعارضی مشاهده می‌شود. در حالی که برخی مطالعات نامنی را مانع مطلق سرمایه‌گذاری می‌دانند (Yar, 2023)، برخی دیگر آن را محرک کارآفرینی بقامحور تلقی می‌کنند. (Ciarli et al., 2010) همچنین در مورد مدل‌های توسعه، تضاد عمیقی میان رویکردهای «برونزا» (تزریق سرمایه بین‌المللی) و رویکردهای «درونزا» (تکیه بر نهادهای عرفی) وجود دارد که منجر به ناپایداری بسیاری از پروژه‌های کارآفرینی پس از خروج حامیان مالی شده است.

۳) انواع کارآفرینی روستایی

امروزه در ادبیات حوزه توسعه روستایی، اشکال گوناگون کارآفرینی، از کشاورزی نوآورانه گرفته تا صنایع دستی، گردشگری، خدمات و فعالیت‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهایی مؤثر برای بازآفرینی اقتصاد روستایی شناخته می‌شوند. این نوع کارآفرینی‌ها با تکیه بر استقلال محلی، تنوع فعالیت‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، زمینه‌ساز پویایی اقتصادی و تقویت هویت اجتماعی در جوامع روستایی هستند. که در ادامه به هریک آن به اختصار اشاره می‌شوند:

۳-۱) کارآفرینی کشاورزی^۱

مفهوم کارآفرینی در حوزه‌های مختلف مانند کشاورزی، صنعت و خدمات، از نظر اصول بنیادی تفاوت چندانی ندارد؛ اما در عمل، توسعه کارآفرینی کشاورزی با چالش‌هایی روبه‌رو است که در مناطق شهری کمتر دیده می‌شود. عواملی مانند سرمایه‌گذاری، آموزش، تکنولوژی، زیربناها و نیروی بشری متخصص در مناطق شهری بیشتر در دسترس اند، در حالی که در مناطق روستایی و کشاورزی، این منابع محدودترند. با این حال، کشاورزان و دامداران نیز می‌توانند نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی ایفا کنند. مرکز کارآفرینی روستایی ایالات متحده (Wallace, 2003) پنج راهبرد کلیدی برای رشد کارآفرینی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد کرده است:

- توسعه محصولات نوین از طریق فعالیت‌های کارآفرینانه،
- استفاده خلاقانه از منابع موجود و طراحی مدل‌های رقابتی،
- ایجاد نهادهای پشتیبان برای حمایت از کارآفرینان،
- جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی،
- فاصله‌گیری از شیوه‌های سنتی و ناکارآمد کشاورزی،

در نهایت، کارآفرینی کشاورزی می‌تواند به افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و بهبود رفاه اقتصادی منجر شود. این نوع کارآفرینی با کارآفرینی روستایی پیوندی طبیعی دارد و با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی راهبردی و تحلیل محیطی (SWOT)، می‌توان به توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه دست یافت (سجاسی قیداری، ۱۳۸۷). تجربه کشورهای ویتنام و برزیل نشان می‌دهد که این رویکرد نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد. برای نمونه، در منطقه دلتای مکنونگ ویتنام، تعاونی‌های کشاورزی با یکپارچه‌سازی زمین‌های کوچک، به تولید انبوه برنج و میوه برای صادرات روی آورده‌اند و دولت با ارائه تسهیلات مالی و آموزش روش‌های نوین آبیاری، بهره‌وری را تا ۴۰٪ افزایش داده که در نتیجه آن صادرات برنج ویتنام تا سال ۲۰۲۴ به ۸ میلیارد دلار خواهند رسید. (World Bank, 2021) همچنین، در برزیل، برنامه کشاورزی خانوادگی به روستاییان کمک می‌کند تا محصولات ارگانیک و محلی تولید و در بازارهای شهری به فروش برسانند و توسعه اکوتوریسم در آمازون نیز درآمد محلی را افزایش داده است. تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۴ میلیون خانواده در این برنامه مشارکت داشته‌اند (FAO, 2022) این نمونه موفق، بر اهمیت تلفیق فرهنگ بومی با اقتصاد سبز تأکید دارد.

در افغانستان نیز، بنابر گزارش‌های وزارت زراعت و مالداری، اقدامات مؤثری در زمینه کارآفرینی روستایی صورت گرفته است؛ از جمله بهره‌گیری از روش‌های نوین آبیاری، کشت محصولات باارزش مانند زعفران در ولایت هرات و راه‌اندازی شرکت‌های کوچک تولید زعفران که به بازارهای بین‌المللی متصل شده‌اند، نمونه از کارآفرینی کشاورزی بوده که نقش مهمی در تقویت اقتصاد روستایی داشته و سهم آن را در اقتصاد ملی افزایش داده‌اند. (Ministry of Agriculture, 2022)

۳-۲) صنایع دستی و تولیدات بومی^۱

در مسیر توسعه، بسیاری از اندیشمندان، اقتصاددانان و صاحب‌نظران بر اهمیت توسعه درونزا تأکید دارند. این نوع توسعه بر بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و منابع داخلی هر منطقه استوار است و به دلیل عدم وابستگی به خارج، زمینه‌ساز رشد پایدار و مستمر خواهد بود. کشورهای در حال توسعه اغلب با مشکلاتی مانند کمبود منابع مالی، وابستگی به واردات کالا و تکنالوژی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی ناپایدار مواجه‌اند. در چنین شرایطی، توسعه درونزا به عنوان راهکاری مؤثر مطرح می‌شود؛ زیرا با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و استقلال اقتصادی فراهم می‌گردد. (یاوری، ۱۳۷۳)

کشور ما نیز با رویکردی هدفمند در تلاش باشد تا وابستگی اقتصادی را کاهش داده و از منابع بومی بهره‌برداری کند. برای تحقق این هدف، شناسایی و فعال‌سازی ظرفیت‌هایی مانند صنایع بومی، گردشگری و منابع انسانی ضروری است. توسعه اقتصادی زمانی معنا پیدا می‌کند که بر پایه شناخت دقیق از امکانات داخلی و استفاده مؤثر از آن‌ها بنا شود. در این میان، صنایع دستی روستایی جایگاه ویژه‌ای دارند. این صنایع که ریشه در فرهنگ، سنت‌ها و آداب مردمی دارند، به عنوان فعالیت‌هایی کاملاً مستقل از منابع خارجی، نقش مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد جانبی برای روستاییان ایفا می‌کنند. توجه به این ظرفیت‌ها می‌تواند مسیر توسعه پایدار و متوازن را هموار سازد. حال آن‌که تجربیات جهانی نیز مؤید این رویکرد است. برای نمونه، در بلوچستان پاکستان، تعاونی‌های زنان روستایی با حمایت سازمان بین‌المللی کار (ILO)، بر تولید صنایع دستی مانند گلیم و سوزن‌دوزی متمرکز شده‌اند. این تعاونی‌ها با آموزش مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی، محصولات را مستقیماً به بازارهای بین‌المللی صادر می‌کنند. تا سال ۲۰۲۱، درآمد ماهانه این زنان از ۵۰ دلار به ۳۰۰ دلار افزایش یافت. (ILO, 2021) این پروژه اهمیت حیاتی شبکه‌سازی و حمایت نهادی را در موفقیت کارآفرینی روستایی آشکار ساخت. مدل موفق دیگر، برنامه گرامین بانک است که توسط محمدیونس، برنده جایزه صلح نوبل، تأسیس شد. این بانک با ارائه وام‌های کوچک بدون نیاز به وثیقه به زنان روستایی در بنگلادش، زمینه ایجاد کسب‌وکارهای خرد مانند دامداری، خیاطی و فروش محصولات محلی را فراهم کرد. تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۹ میلیون نفر (۹۷٪ زنان) از این برنامه بهره‌مند شدند که منجر به کاهش ۲۰٪ فقر در مناطق تحت پوشش شده است. (Yunus Centre, 2022) این مدل نشان می‌دهد که دسترسی به سرمایه، حتی در فقیرترین جوامع، می‌تواند تحول‌آفرین باشد.

به طور مشابه، در افغانستان نیز صنایعی مانند فرش‌های دستباف در بامیان و تولیدات چرمی در کابل که اغلب توسط زنان مدیریت می‌شوند، از طریق سازمان‌های غیردولتی (NGO) به بازارهای جهانی راه یافته و به منبع درآمدی پایدار برای خانواده‌ها تبدیل شده‌اند. (UN Women, 2023) در نتیجه می‌توان گفت که این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهند که چنین فعالیت‌هایی، اگر با حمایت‌های هدفمند دولتی و نهادی همراه شوند، پتانسیل آن را دارند که به موتور محرک توسعه اقتصادی در سطح محلی و ملی تبدیل گردند. زیرا صنایع دستی به عنوان یک شغل جانبی یا فصلی، نقش مهمی در تأمین معیشت بخش وسیعی از مردم دارد و می‌تواند به عنوان مکملی برای درآمدهای کشاورزی و دامداری روستاییان عمل کند.

همچنین، این صنایع با ایجاد اشتغال، انگیزه‌های مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرها را کاهش می‌دهند و به حفظ تعادل اقتصادی کمک می‌کنند. اشتغال پایدار روستاییان در این حوزه، به آن‌ها امکان می‌دهد تا با آرامش بیشتری به فعالیت‌های اصلی خود بپردازند و از کاهش تولید و درآمد ملی جلوگیری می‌کند. صنایع دستی با ویژگی‌هایی مانند عدم نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان، کارآفرینی در مقیاس کوچک و استفاده از مواد اولیه داخلی، با شرایط اقتصادی فعلی کشور سازگاری بالایی دارند.

از سوی دیگر صنایع دستی دارای ارزش افزوده نسبتاً بالایی هستند که در بسیاری از موارد به ۷۰ تا ۸۰٪ قیمت تمام‌شده محصول می‌رسد. از آن‌جا که عامل انسانی در تولید این محصولات نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، ارزش ناشی از نیروی کار در قیمت نهایی بسیار بالاست. این صنایع قابلیت صادراتی فوق‌العاده‌ای دارند و از دیرباز، بویژه فرش، جایگاه ویژه‌ای در تجارت خارجی افغانستان داشته‌اند. تجارت بین‌المللی صنایع دستی سالانه حدود ۲۲ میلیارد دلار ارزش دارد که سهم افغانستان براساس وب سایت ایمپورت گلوبالز (Import Globals) در آن ۴۰ میلیون دلار است. بهبود این وضعیت با برنامه‌ریزی‌های منطقی و حمایت‌های قانونی، مالی و صادراتی کاملاً امکان‌پذیر است.

و در نهایت صنایع دستی با قابلیت انتقال ابزار تولید به خانه‌ها، فرصت اشتغال مولد را برای زنانی که تمایلی به کار خارج از منزل ندارند، فراهم می‌کند. حدود نیمی از جمعیت مولد زنان، که بیشترین نقش را در تولید صنایع دستی دارند، از طریق این فعالیت‌ها مشغول به کار خواهند شد. علاوه بر مزایای اقتصادی، صنایع دستی به پر کردن اوقات فراغت روستاییان با کاری سازنده و روحیه‌بخش کمک می‌کند و باعث آرامش و همکاری بیشتر بین آن‌ها می‌شود. این هنر صنعت همچنین باورهای فرهنگی افغانستان را به فراتر از مرزها منتقل کرده و خود نمونه‌ای از یک مزیت فرهنگی و اقتصادی است.

۳-۳) گردشگری روستایی و اکوتوریسم

گردشگری روستایی یکی از شاخص‌های مهم و برجسته صنعت گردشگری محسوب می‌شود که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی موجود در روستا، نقش حیاتی در فرایند توسعه ایفا می‌کند. این نوع از گردشگری قادر است نقش مهمی در تجدید حیات روستاها، حفاظت از میراث فرهنگی و نهایتاً دستیابی به توسعه یکپارچه و پایدار روستایی داشته باشد. همچنین، به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای توسعه و رشد اقتصادی کشورها شناخته می‌شود و با ایجاد فرصت‌های شغلی، مانع از مهاجرت جمعیت روستایی می‌گردد. توسعه گردشگری در مناطق روستایی یک عنصر اساسی و راهی برای نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود. (غلامی و شیعی، ۱۴۰۰)

رابطه گردشگری روستایی و کارآفرینی یک رابطه مثبت و معنادار است و گردشگری به عنوان یک محرک اقتصادی بالقوه برای توسعه مناطق روستایی عمل می‌کند. گردشگری روستایی از مهم‌ترین محورهای رشد اقتصادی محسوب می‌شود، چرا که علاوه بر افزایش درآمدها، با ایجاد اشتغال متنوع در روستاها و فراهم کردن فرصت‌های شغلی جدید، به یکی از فعالیت‌های پیش‌تاز اقتصادی تبدیل شده است؛

به طوری که مطالعات نشان می‌دهد بخش گردشگری از نظر ایجاد اشتغال و درآمد در مقایسه با بخش‌های سنتی مانند کشاورزی/دامداری، بیشترین تأثیر را داشته است. این فعالیت راه حل‌های بالقوه‌ای برای مقابله با مشکلاتی نظیر فقر ارائه داده و رشد اقتصادی پایدار را از طریق ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلفی چون تجارت و خدمات، تولید و فروش صنایع دستی، و ایجاد بازارهای جدید برای محصولات کشاورزی بومی تحقق می‌بخشد. همچنین، بهبود عوامل اقتصادی نظیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی و کاهش بیکاری نیز تأثیرات بسیار مهمی بر توسعه آن دارند. به‌طور خلاصه، گردشگری روستایی با ایجاد تقاضا برای محصولات، خدمات و اقامتگاه‌های بومی، عملاً به محور اصلی کارآفرینی تبدیل شده و به روستاییان امکان می‌دهد تا بنیان‌های اقتصادی خود را گسترش دهند. (غلامی و شفیع، ۱۴۰۰)

اکوتوریسم خوب‌ترین شاخه طبیعت‌گردی است که با هدف حفاظت از محیط‌زیست، احترام به جوامع محلی و ارتقای مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه میزبان و با حداقل اثر منفی بر طبیعت و فرهنگ منطقه، بیشترین فایده را برای آن داشته باشد. (پورجویری، طیب‌نیا و پایدار، ۲۰۲۴) رابطه بین اکوتوریسم و کارآفرینی، یک پیوند متقابل و هم‌افزا است که به عنوان یکی از بهترین راهکارها برای تنوع‌بخشی به اقتصاد جوامع محلی، بویژه در مناطق روستایی و ابزاری برای خلق ثروت و رفاه شناخته می‌شود. (سهرابی و مختاری، ۱۴۰۱؛ ابراهیم‌زاده آسمین و همکاران، ۱۴۰۵) این رابطه به صورت یک چرخه عمل می‌کند؛ به این معنا که وجود یک محیط طبیعی و فرهنگی جذاب، فضای کسب‌وکار را بهبود بخشیده و زمینه‌ساز ظهور ایده‌های نو و فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گردد و در مقابل، توسعه کارآفرینی با ارتقای زیرساخت‌ها و کیفیت زندگی، جذابیت منطقه را برای گردشگران دوچندان می‌کند. (سهرابی و مختاری، ۱۴۰۱) این تعامل نه تنها به عنوان موتور رشد اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کند، بلکه با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری، منجر به بازآفرینی اقتصاد روستایی و بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های محیطی می‌گردد. (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴؛ چراغلی و همکاران، ۱۴۰۰)

کارآفرینی در حوزه اکوتوریسم راهکاری مؤثر برای مقابله با معضلاتی نظیر فقر، بیکاری و مهاجرت روستایی است، زیرا در شرایطی که کشاورزی به تنهایی پاسخگوی نیازهای اشتغال نیست، فرصت‌های جدیدی در بخش‌های خدمات و صنعت فراهم می‌آورد (سهرابی و مختاری، ۱۴۰۱؛ چراغلی و همکاران، ۱۴۰۰) موفقیت این رابطه در گرو تعامل سه مؤلفه کلیدی یعنی ویژگی‌های فردی کارآفرینان (مانند ریسک‌پذیری و تخصص)، شرایط محیطی (تنوع جغرافیایی و زیستی) و حمایت‌های قانونی و دولتی (وضوح قوانین و دسترسی به اعتبارات) است. (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴؛ سهرابی و مختاری، ۱۴۰۱) در نهایت، پیوند این دو مفهوم با تأکید بر رفاه اجتماعی و آموزش جامعه محلی، علاوه بر حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی، منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال محیط‌زیست و دستیابی به توسعه پایدار در سطوح منطقه‌ای می‌شود. (ابراهیم‌زاده آسمین و همکاران، ۱۴۰۵؛ چراغلی و همکاران، ۱۴۰۰)

۴) تفاوت کارآفرینی روستایی و شهری

تمایز میان کارآفرینی روستایی و کارآفرینی شهری صرفاً محدود به تفاوت‌های جغرافیایی نبوده، بلکه ریشه در تفاوت‌های ساختاری و مفهومی در اهداف بنیادین، شیوه‌های شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها

و همچنین در دینامیک‌های رشد و انکشاف این دو نوع کارآفرینی دارد. در جدول ذیل، مهم‌ترین ابعاد این تفاوت‌ها به صورت خلاصه و مقایسه‌ای ارائه گردیده است:

مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های کارآفرینی در بسترهای شهری و روستایی

مؤلفه تمایز	کارآفرینی شهری	کارآفرینی روستایی
اهداف و تمرکز بنیادین	تمرکز بر نوآوری‌های مبتنی بر فناوری، اکوسیستم‌های استارت‌آپی و ارتقای کیفیت زندگی شهری. (انگرنی و همکاران، ۲۰۲۴؛ ایروان، ۲۰۲۵؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)	تمرکز بر توسعه مناطق روستایی، نوآوری در کشاورزی، بهره‌برداری از منابع محلی و کاهش فقر و مهاجرت. (انگرنی و همکاران، ۲۰۲۴؛ ایروان، ۲۰۲۵؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
دینامیک رشد و بهره‌وری	بهره‌مندی از اقتصادهای تجمع و سرریز دانش؛ هزینه‌های بالا به عنوان فیلتر بقا برای بنگاه‌های/شرکت‌های بهره‌ور. (لی و شو، ۲۰۲۰؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)	فشارهای رقابتی کمتر؛ امکان بقای بنگاه‌های یا شرکت‌های با بهره‌وری پایین‌تر که منجر به کاهش میانگین رشد می‌شود. (لی و شو، ۲۰۲۰؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
سرمایه اجتماعی و پیوندها	«پل‌زننده» بر پایه پیوندهای اتصال به شبکه‌های (Bridging) حرفه‌ای، سرمایه‌گذاران و بازارهای دوردست. (خسروی پور و همکاران، ۱۴۰۲؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)	«عمیق و بر پایه پیوندهای خانوادگی»؛ اعتماد متقابل هزینه‌های مبادله را کاهش داده و ضمانت غیررسمی ایجاد می‌کند. (خسروی پور و همکاران، ۱۴۰۲؛ ویتا آراچیلاز، ۲۰۱۴)
چالش‌ها و موانع محیطی	چالش‌های روانی و اجتماعی مانند فشارهای خانوادگی برای مشاغل ثابت و مقایسه اجتماعی با همسالان. (جروم و بامبور، ۲۰۱۳؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)	«بیابان‌های خدماتی»؛ پدیده محدودیت شدید در دسترسی به اینترنت پهنای باند، سلامت و خدمات حرفه‌ای. (هال، ۲۰۲۴؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
نقش نهادها و قوانین	نهادها بیشتر در نقش تنظیم‌گر بازار، رگولاتوری مالی و مدیریت پیچیدگی‌های مالیاتی ظاهر می‌شوند (زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)	نهادها مسئول ظرفیت‌سازی، ایجاد امنیت اجتماعی و ثبات‌پایداری برای تولیدکننده هستند. (سهرابی و مختاری، ۱۴۰۱؛ زحمت‌کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
تأمین مالی و اعتبارات	وابستگی به وام‌های بانکی؛ محدودیت‌های وام‌گیری به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین. (لی و شو،	وابستگی به وام‌های دولتی و (Microfinance) اعتبارات خرد فرآیند پیچیده دریافت وام به دلیل نیاز به

۲۰۲۰؛ زحمت کش ممتاز و همکاران، (۱۴۰۳)	وثیقه. (هال، ۲۰۲۴؛ زحمت کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
زیرساخت و فناوری	دسترسی به بسترهای استراتژی مدرن و شبکه‌های توزیع گسترده شهری (انگرنی و همکاران، ۲۰۲۴؛ زحمت کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
ویژگی‌های کارآفرینانه	تمایل بیشتر به ریسک‌های تکنولوژیک و رقابت در بازارهای اشباع (زحمت کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)
	تأکید بر استقلال طلبی، خودانگیزی و مسئولیت پذیری در برابر چالش‌های اقلیمی. (علیانی و همکاران، ۱۴۰۳؛ زحمت کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳)

کارآفرینی شهری عمدتاً از مزیت تجمع و دانش تغذیه می‌کند، در حالی که کارآفرینی روستایی برای موفقیت نیازمند اصلاح ساختارهای نهادی و رفع شکاف‌های زیربنای است تا پتانسیل‌های طبیعی را به ثروت پایدار تبدیل کند. (زحمت کش ممتاز و همکاران، ۱۴۰۳؛ پاینده نجف‌آبادی و عین‌علی، ۱۴۰۱)

۵) عوامل مؤثر بر کارآفرینی روستایی در افغانستان

براساس تازه‌ترین گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و مطالعات علمی منتشره در بازه زمانی ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، کارآفرینی روستایی در افغانستان در چهارچوب یک ساختار پارادوکسیکال قابل تحلیل است؛ ساختاری که در آن، تاب‌آوری و ابتکار عمل در سطح خرد و محلی همزمان با شکنندگی نهادی، اقتصادی و سیاسی در سطح کلان همزیستی دارد. (برنامه توسعه ملل متحد [UNDP]، ۲۰۲۵؛ گروه بحران بین‌المللی، ۲۰۲۵) در این چهارچوب، جدول ذیل با رویکردی تحلیلی، به تبیین فرصت‌ها، پیشران‌ها و موانع بازدارنده مؤثر بر کارآفرینی روستایی در افغانستان می‌پردازد.

تبیین جامع عوامل مؤثر بر کارآفرینی روستایی در افغانستان (۲۰۲۴-۲۰۲۶)

دسته‌بندی عوامل	فرصت‌ها و پیشران‌ها	چالش‌ها و موانع بازدارنده	تحلیل علمی و پیامد اجرایی
اقتصادی و ساختاری	تاب‌آوری بالای بخش کشاورزی و خرده‌فروشی؛ وجود نیروی کار ارزان و زمین‌های وسیع با هزینه پایین؛ پتانسیل بالای صادرات محصولات با ارزش مانند زعفران و خشکبار به بازارهای منطقه‌ای (بانک جهانی، ۲۰۲۴؛ یار و نژاد، ۲۰۲۳).	تله معیشت (Subsistence Trap)؛ کاهش شدید قدرت خرید عمومی؛ کسری تجاری ۶.۷ میلیارد دلاری و وابستگی شدید به واردات کالاهای اساسی (UNDP, 2025)؛ بانک جهانی، ۲۰۲۴).	اقتصاد در یک «تعادل سطح پایین» گرفتار شده است. کارآفرین روستایی به دلیل فقر ۷۵ درصدی جامعه، تنها برای بقا تلاش می‌کند و امکان توسعه مقیاس کسب‌وکار را ندارد (UNDP, 2025).
مالی و اعتباری	گذار به تأمین مالی اسلامی که در مناطق سنتی پذیرش	بحران شدید نقدینگی ناشی از تحریم‌ها؛ قطع ارتباط	به دلیل نبود اعتبار رسمی، ۷۰ درصد کسب‌وکارهای روستایی

<p>(به ویژه زنان) غیررسمی باقی مانده‌اند. کارآفرینان برای تأمین سرمایه به جای سیستم بانکی، به شبکه‌های خانگی و سیستم حواله وابسته‌اند (UNDP, 2024; GIFIIIP, 2023).</p>	<p>سیستم‌های بانکی با شبکه‌های بین‌المللی؛ الزامات سخت‌گیرانه وثیقه برای کسب‌وکارهای غیررسمی (گروه بحران بین‌المللی، UNDP, 2023; 2025).</p>	<p>بیشتری دارد؛ ظهور مدل‌های نوین مانند صندوق‌های ضمانت پورتفو با اهرم ۲۰ برابری (GIFIIIP, 2023; UNCDF, 2025).</p>	
<p>محدودیت‌های جنسیتی هزینه‌های عملیاتی را به شدت افزایش داده است. کارآفرینان زن ناچارند از واسطه‌های مرد استفاده کنند که این امر خودمختاری اقتصادی و سودآوری آن‌ها را کاهش می‌دهد (سمندر و وردک، UN Women, 2025; 2024).</p>	<p>قانون "محرم" و محدودیت تحرک فیزیکی؛ ممنوعیت تحصیلات ثانویه و عالی که منجر به بحران سرمایه انسانی در نسل آینده می‌شود (UN News, 2025; UNESCO, 2023).</p>	<p>شکل‌گیری اقتصاد "زن برای زن" در فضاهای تفکیک‌شده؛ افزایش ۳ برابری ثبت کسب‌وکارهای زنانه به عنوان استراتژی جایگزین اشتغال دولتی (گروه بحران بین‌المللی، UN Women, 2025; 2024).</p>	<p>اجتماعی و جنسیتی</p>
<p>تجارت دیجیتال به یک راه نجات تبدیل شده است، اما کارآفرین روستایی با خطر دائمی قطع دسترسی به بازار به دلیل سیاست‌های فیلترینگ یا قطع اینترنت روبرو است (حافظی، 2025؛ سازمان ملل متحد، 2025).</p>	<p>پدیده «بیابان‌های خدماتی»؛ کیفیت پایین و هزینه‌های بالای اینترنت؛ خاموشی‌های عمدی دیجیتال توسط مقامات؛ نبود شبکه برق پایدار در روستاها (هال، 2024؛ حافظی، UNDP, 2025; 2025).</p>	<p>گسترش تجارت اجتماعی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال (وبسایت و شبکه‌های اجتماعی) برای دور زدن محدودیت‌های فیزیکی (حافظی، 2025؛ UN Women, 2024).</p>	<p>زیرساختی و فناوری</p>
<p>تغییرات اقلیمی منجر به فروش دارایی‌های مولد (دام و زمین) توسط کشاورزان برای تأمین غذا شده است، که زیربنای کارآفرینی در روستا را تخریب می‌کند (مایر، 2023).</p>	<p>مطابق پیش‌بینی مجمع جهانی اقتصاد، خشکسالی‌ها تا سال ۲۰۵۰ می‌تواند موجب کاهش ۱۸ درصدی تولید ناخالص داخلی شود؛ این اثر در افغانستان به دلیل وابستگی به زراعت و منابع آبی شدیدتر بوده و امنیت غذایی و تاب‌آوری در برابر آفات طبیعی را تهدید می‌کند (مایر، 2023).</p>	<p>ترویج محصولات مقاوم به خشکی مانند عنب و گیاهان دارویی؛ وجود پتانسیل‌های انرژی خورشیدی برای آبیاری (مایر، 2023؛ یار و نژاد، 2023).</p>	<p>محیطی و اقلیمی</p>

کارآفرینی روستایی در افغانستان در سال‌های اخیر از یک الگوی فرصت‌محور به‌طور فزاینده‌ای به سمت الگوی اجبار محور تغییر ماهیت داده است؛ الگوی که بیش از آن که ناشی از شناسایی فرصت‌های خلاقانه و نوآورانه باشد، واکنشی به محدودیت‌های معیشتی و فقدان گزینه‌های شغلی جایگزین تلقی می‌گردد. (سمندر و وردک، ۲۰۲۵) در این چهارچوب، پیشران‌های چون بهبود نسبی امنیت سرک‌ها و گسترش ابزارهای مالی مبتنی بر مالیه اسلامی، در تقابل ساختاری با موانعی همانند تحریم‌های مالی، محدودیت دسترسی به نظام بانکی بین‌المللی و محرومیت آموزشی زنان قرار گرفته‌اند. (UNDP, 2025)؛ گروه بحران بین‌المللی، ۲۰۲۵) از منظر پایداری بلندمدت، استمرار این نوع کارآفرینی مستلزم گذار هدفمند از رویکردهای کوتاه‌مدت مبتنی بر کمک‌های بشر دوستانه به سوی سرمایه‌گذاری مولد در زنجیره‌های ارزش کشاورزی، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و تقویت پیوندهای نهادی میان جوامع روستایی و بازارهای منطقه‌ای و جهانی است؛ گزری که می‌تواند به کاهش شکاف ساختاری میان روستا و اقتصادی بین‌الملل منجر شود. (مایر، ۲۰۲۵؛ UNCDF, 2025)

۶) راهکارهای توسعه کارآفرینی روستایی در افغانستان

راهکارهای توسعه کارآفرینی در افغانستان بر ضرورت گذار ساختاری از اقتصاد معیشتی به سوی پایداری اقتصادی استوار می‌باشد. با توجه به سهم حدودی ۸۰٪ شرکت‌های کوچک و متوسط (MSMEs) در ایجاد اشتغال ملی، این شرکت‌ها صرفاً به عنوان واحدهای اقتصادی تلقی نمی‌گردند، بلکه نقش تثبیت‌کننده‌های کلیدی اجتماعی در را در توزیع درآمد، کاهش آسیب‌پذیری معیشتی و توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای ایفا می‌نمایند (Fayaz & Emran, 2024; Strategic Architecture, 2025).

با وجود ثبت رشد محدود ۲.۷ درصدی تولید ناخالص داخلی، ساختار اقتصادی کشور همچنان با چالش‌های بنیادینی از جمله کمبود نقدینگی، محدودیت دسترسی به منابع مالی و انسداد نظام بانکی مواجه است؛ چالش‌های که ضرورت تدوین و اجرای استراتژی‌های توسعه‌ای چندبعدی و تلفیقی را پیش از پیش برجسته می‌سازد. (UNDP, 2025; World Bank, 2025) در این چهارچوب، راهکارهای توسعه کارآفرینی روستایی در افغانستان را می‌توان در چهار محور اساسی دسته‌بندی و تبیین نمود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در محور سیاستی و نهادی، ساده‌سازی فرایندهای بوروکراتیک و اصلاح زیربنای قانونی برای تشویق سرمایه‌گذاران ضروری است. ایجاد «دفاتر خدمات روستایی یکپارچه» جهت صدور جوازها و ارائه مشوره‌های حقوقی می‌تواند دسترسی کارآفرینان در مناطق دوردست را افزایش دهد. (Strategies for Advancing, 2025) همچنین، ثبت رسمی کسب‌وکارهای غیر رسمی در ارگان‌های ذیربط و اعطای معافیت‌های مالیاتی بلندمدت برای استارت‌آپ‌های روستایی، از جمله مشوق‌هایی است که می‌تواند مانع از فرار سرمایه شده و به شفافیت اقتصادی کمک کند. (Yar & Nejad, 2023; Zahmatkesh Momtaz et al., 1403)

محور مالی و اعتباری بر تحول نظام بانکی به سمت مدل‌های تأمین مالی اسلامی و ابزارهای کاهش ریسک متمرکز است. با توجه به ممنوعیت ربا، توسعه عقود همانند مرابحه و مضاربه برای تأمین نقدینگی

MSME ها، بویژه در بخش زراعت، حیاتی تلقی می‌شود. (GIFIIP, 2023; MISFA, 2025) پیاده‌سازی «تسهیلات ضمانت پورتفولو با مشارکت نهادهایی چون بنیاد تضمین اعتبار افغانستان (ACGF)، می‌تواند ریسک وام‌دهی را تا ۲۰ برابر کاهش داده و به کارآفرینانی که فاقد وثیقه‌های ملکی هستند، بویژه زنان، اجازه دسترسی به سرمایه را بدهد. (UNCDF, 2025; World Bank, 2024)

در محور تکنولوژیکی و زیربنایی، استفاده از نوآوری‌های دیجیتال راهکاری کلیدی برای دور زدن محدودیت‌های فیزیکی و انزوای جغرافیایی است. توسعه تجارت اجتماعی از طریق پلتفرم‌هایی نظیر واتس‌آپ و اینستاگرام و استفاده از کیف پول‌های دیجیتال نظیر حساب‌پی (HesabPay)، شفافیت مالی را افزایش و هزینه‌های تراکنش را به شدت کاهش داده است. (Hafizi, 2025; Haqmal & Niazy, 2025) علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در زیربناهای سردخانه خورشیدی برای زنجیره ارزش زراعت، مانع از ضایعات محصولات و تقویت پتانسیل صادراتی کارآفرینان روستایی می‌گردد. (Mayar, 2025; Strategic Architecture, 2025)

محور آموزشی و توسعه سرمایه انسانی برای ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای (TVET) متناسب با تقاضای بازار تأکید دارد. برنامه‌های آموزشی نهادهایی چون یونیتار (UNITAR) که بر مدیریت مالی، بازاریابی دیجیتال و برنامه‌ریزی استراتژیک تمرکز دارند، کارآفرینان را برای فعالیت در محیط‌های پرریسک آماده می‌کنند. (UNITAR, 2025) آموزش سواد دیجیتال و ترویج محصولات مقاوم به خشکی مانند زعفران و عناب در مناطق روستایی، نه تنها بهره‌وری را افزایش می‌دهد، بلکه به جوامع محلی اجازه می‌دهد تا در زنجیره ارزش‌های جهانی مشارکت فعال داشته باشند. (Olyani et al., 1403; Strategies for Advancing, 2025)

توانمندسازی زنان و حمایت از کسب‌وکارهای خانگی به عنوان «پناهگاه اقتصادی»، رکنی جدایی‌ناپذیر از این راهکارهاست. باتوجه به این که ۸۰٪ زنان کارآفرین درآمد کسب‌وکار خود را منبع اصلی معیشت خانواده می‌دانند، ایجاد فضاهای کاری امن و بازارهای ویژه زنان ضروری است. (Blagonravova, 2025; UN Women, 2024) لغو محدودیت‌های حرکتی نظیر الزام «محرم» برای سفرهای تجاری و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی، به پایداری این تشبثات کمک کرده و از ضرر ۹۲۰ میلیون دلاری ناشی از حذف زنان از اقتصاد جلوگیری می‌کند. (ICG, 2025; Rodriques, 2025)

در نهایت، موفقیت این راهکارها در گرو همکاری میان نهادهای بین‌المللی، دیاسپورا (افغان‌های مقیم خارج) و بخش خصوصی داخلی است. بهره‌گیری از ظرفیت دیاسپورا برای انتقال دانش و جذب «سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار (Impact Investment)» می‌تواند بستری پایدار برای کارآفرینی فراهم کند. (Strategic Architecture, 2025) با رفع شکاف‌های زیرساختی و توسعه حکمرانی تسهیل‌گر، کارآفرینی در افغانستان می‌تواند از یک استراتژی صرفاً معیشتی به موتور محرک رشد اقتصادی و ثبات ملی تبدیل شود. (Fayaz & Emran, 2024; Yar & Nejad, 2023)

۷ نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف واکاوی جامع و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر اکوسیستم کارآفرینی روستایی در افغانستان انجام شد تا از طریق سنتز نقادانه ادبیات موجود، چهارچوبی برای تحقق توسعه پایدار و کاهش فقر ارائه دهد. یافته‌های حاصل از این مطالعه که با اتکا به روش فراتحلیل کیفی و مرور نظام‌مند انجام گرفت، نشان می‌دهد که کارآفرینی در مناطق روستایی افغانستان صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه برآمده از تعامل پویای عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی و ویژگی‌های فردی است که در چهارچوب نظری اکوسیستم کارآفرینی و توسعه مشارکتی قابل تبیین است.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، ماهیت کارآفرینی روستایی در این کشور از یک الگوی فرصت‌محور به سمت یک الگوی اجبار محور و معیشتی تغییر شکل یافته است؛ به طوری که کارآفرینان روستایی در یک تعادل سطح پایین برای بقای اقتصادی تلاش می‌کنند. از منظر نظری، این تحقیق دلالت بر این دارد که مدل‌های کلاسیک بازشناسی فرصت در محیط‌های متأثر از شکنندگی نهادی و بحران‌های ساختاری، نیازمند بازنگری و انطباق با واقعیت‌های بومی هستند. از جنبه کاربردی نیز، نتایج نشان می‌دهد که برای گذار از اقتصاد معیشتی به پایداری اقتصادی، تمرکز بر توسعه ابزارهای مالی اسلامی (مانند مباحه و مضاربه)، تقویت زنجیره‌های ارزش محصولات زراعتی و بهره‌گیری از تجارت دیجیتال برای دور زدن محدودیت‌های فیزیکی و جغرافیایی امری بسا حیاتی است. همچنین، با توجه به نقش کلیدی زنان در صنایع دستی و مشاغل خانگی، حمایت از این بخش نه تنها یک ضرورت اجتماعی به شمار می‌رود، بلکه به مثابه یک پناهگاه اقتصادی برای تاب‌آوری خانوارها تلقی می‌گردد.

با وجود دستاوردهای علمی این تحقیق، محدودیت‌های تحقیق از جمله پراکندگی داده‌های آماری دقیق، ماهیت متغیر شرایط اساسی و اجتماعی افغانستان و دشواری دسترسی به مطالعات میدانی تازه‌خوری شده در برخی مناطق دورافتاده، تعمیم‌پذیری مطلق نتایج را با چالش مواجه می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، محققان به سمت مطالعات پیمایشی و میدانی برای سنجش کارآمدی چهارچوب پیشنهادی در ولایات مختلف حرکت کنند. همچنین مطالعه نقش دیاسپورا (افغان‌های مقیم خارج) در انتقال دانش و سرمایه به کارآفرینی روستایی و ارزیابی تأثیر بلندمدت شکاف جنسیتی آموزشی بر سرمایه انسانی نسل آینده کارآفرینان، از محورهای مهم برای تحقیقات آتی در این حوزه به‌شمار می‌رود. در نهایت، ایجاد یک هم‌افزایی میان دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی برای شکل‌دهی به یک اکوسیستم پویای کارآفرینی، تنها راهکار بیرون‌رفت از بحران فعلی و دستیابی به اشتغال پایدار در روستاهای افغانستان است.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیم زاده، آسمین، حسین، قنبری، امیرحسین و قنبری، سیروس. (۱۴۰۴). ارزیابی پیامدهای اکوتوریسم روستایی با تأکید بر روابط اقتصادی درون منطقه‌ای (مطالعه موردی: منطقه نمونه گردشگری ساردوئی، شهرستان جیرفت). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۷(۱)، ۱۹۳-۲۰۸. (https://www.srds.ir/article_226571.html)
۲. احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). مبانی کارآفرینی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. اکبری، مرتضی. (۱۳۸۵). فرآیند خلق محصول جدید در کسب‌وکارهای کوچک. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. حسینی، سیده سمیرا، ۱۳۹۴، نقش گردشگری روستایی در توسعه پایدار مناطق روستایی، دومین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، همدان، (<https://civilica.com/doc/474857>)
۵. حسینی‌نیا، غلام حسین و فلاحی، هادی (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی (نمونه مطالعه: مناطق روستایی شهرستان منوجان). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره هشتم بهار ۱۳۹۶ شماره ۱ (پیاپی ۲۹) (<https://ensani.ir/fa/article/372928>)
۶. خسروی پور، بهمن، اسداله‌پور، مهین و فرزندپور، ناهید. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل فرصت‌های کارآفرینانه در روستاها. فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۱)، ۲۳-۴۰. Doi: 10.22034/gahr.2023.398411.1878
۷. رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ ششم. تهران: انتشارات قومس.
۸. زحمتکش ممتاز، جواد، افراخته، حسن و ریاحی، وحید. (۱۴۰۳). نقش نهادها در توسعه کارآفرینی در راستای سیاست‌های کلی تولید ملی و اشتغال. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۲(۴۶)، ۳۰۲-۳۳۸. (Doi: 10.30507/jmsp.2023.407284.2611)
۹. سجاسی قیداری، حمدالله، صادق‌قلو، طاهره و افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. (۱۳۹۴). سنجش و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه کارآفرینی اکوتوریسم در مناطق روستایی. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۵(۱۶)، ۷۱-۸۸ (https://gps.gu.ac.ir/article_10918.html)
۱۰. سهرابی، پریسا سادات و مختاری، داود. (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های کارآفرینی اکوتوریسم در پای‌کوه‌های سه‌سهند؛ مطالعه موردی دره آذرشهرچای. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۹(۱)، ۵۳-۶۵. Doi: 10.22048/rdsj.2022.298300.1977
۱۱. شاهوند، ساناز، امیدو نجف‌آبادی، مریم و فرج‌اله حسینی، سید جمال. (۱۴۰۱). الگوی پارادیمی توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی با استفاده از تئوری بنیانی. مجله جغرافیا و توسعه (DOI: 10.22111/gdij.2022.7279)

۱۲. علیانی، مانده، رزاقی، فاطمه، جمشیدی، امید و شفيعی، فاطمه (۱۴۰۴). تبیین وضعیت روحیه کارآفرینانه روستاییان در شهرستان‌های غرب استان گلستان. روستا و توسعه، ۲۷(۱۰۷). Doi: (10.30490/rvt.2025.367551.1712).
۱۳. قدیری معصوم مجتبی، چراغی مهدی، کاظمی نسرين، زارع زهره. تحليل موانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی مورد: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۱۳۹۳؛ ۳ (۷): ۱۷-۳ (<http://serd.khu.ac.ir/article-1-1949-fa.html>).
۱۴. قلی پور، محمدرضا، چراغعلی، محمدرضا و ثنائی پور، هادی. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه کارآفرینی اکوتوریسم با رویکرد رفاه اجتماعی در روستاهای هدف گردشگری. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۱ (۱)، ۱۹۹-۲۱۸ (<https://ensani.ir/fa/article/481721>).
۱۵. مطیعی لنگرودی، سیدحسین، مجتبی قدیری معصوم، فضیله دادورخانی، جهانگیر یداللهی فارسی و زهرا ترکاشوند؛ (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی بخش‌های زند و سامن استان مالیر»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۸۰.
۱۶. وزارت زراعت، آبیاری و مالداري افغانستان. (۱۴۰۱). گزارش سالانه تولید زعفران و توسعه زراعت پایدار. کابل: ریاست احصائیه زراعتی و تنظیم معلومات (<https://www.mail.gov.af/sites/default/files/2023-.pdf>).
16. Althalathini, D. (2020). Entrepreneurship in conflict-affected areas: Resilience and necessity among women entrepreneurs in Palestine and Afghanistan. *Journal of Small Business Management*. (
17. Anggreni, N. W., Artayasa, I. M., Sukita, I. W., Sonder, I. W., & Putra, I. B. N. B. (2024). Trends on rural and urban entrepreneurship research. *Jurnal Ekonomi dan Bisnis Jagaditha*, 11(2), 1-14.
18. Asian Development Bank. (2023a). Afghanistan: Economic and social challenges in rural landscapes. ADB Publishing.
19. Asian Development Bank. (2023b). Institutional frameworks for rural development in South Asia. ADB Publishing.
20. Blagonravova, L. (2025, February 10). Afghan women keep businesses alive despite rights abuses. *UN News*.
21. Choudhury, N. (2021). The regulation of informal trade credit (Ograyi) in Afghanistan. *Asian Journal of Law and Society*, 10(3), 347-375.
22. Chowdhury, M. S. (2007). Overcoming the barriers to entrepreneurship in developing countries. *Journal of Business and Public Affairs*, 1(2), 1-12.
23. Dovetail. (2024). Inductive vs. deductive coding in qualitative research: A practical guide. *Dovetail Research Portal*.
24. Drucker, P. F., & Maciariello, J. A. (2014). *Innovation and entrepreneurship*. Routledge.
25. FAO. (2020a). *Agricultural innovation and rural livelihoods: Global reports*. Food and Agriculture Organization.

26. FAO. (2020b). Sustainable agriculture and rural development in conflict-affected areas: The case of Afghanistan. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
27. FAO. (2021). Sustainable agriculture and rural cooperatives: Lessons from Brazil and Vietnam.
28. Fayaz, M., & Emran, A. (2024). The role of small and medium enterprises (SMEs) in socio-economic development of Afghanistan. *Kardan Journal of Research*, 1(1), 75-88.
29. GIFIIP. (2023). Microfinance landscape in Afghanistan and Islamic financing alternatives: Assessment report.
30. Hafezi, Z. (2025). From ban to business: Survival of Afghan women in digital entrepreneurship. *South Asia Global Forum*.
31. Hall, T. (2024). A guide to the challenges of rural entrepreneurship. Impact Research Cooperation Center.
32. Haqbin, N., & Thaker, M. A. B. M. T. (2025). A qualitative inquiry into Qard Hasan and equity-based model as a source of financing micro-enterprises. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1108/JIABR-07-2024-0256>
33. International Crisis Group. (2025). A precarious lifeline? Women-led business in Afghanistan (Asia-Pacific Report No. 352).
34. Isenberg, D. (2011a). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic dynamics. Babson Global.
35. Isenberg, D. (2011b). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship. *Institute for International and European Affairs*, 1(13), 1-24.
36. Islas-Moreno, A., et al. (2021). Rural entrepreneurship: A systematic literature review and bibliometric analysis. *ResearchGate*.
37. Journal of Rural Studies. (2020). Digital transformation and rural entrepreneurship opportunities. *Journal of Rural Studies*, 78, 112-125.
38. Lee, J., & Xu, J. (2020). Why do businesses grow faster in urban areas than in rural areas? *Regional Science and Urban Economics*, 81, 1-15.
39. Li, Z., Liu, C., & Chen, X. (2025). Review and prospects of rural entrepreneurship: A complex adaptive systems framework. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 19(6), 1705-1745.
40. Maia, S. (2002). Rural entrepreneurship and local development. OECD Publishing.
41. Mayar, M. A. (2025). The economic consequences of climate change for Afghanistan: Losses, projections and pathways to mitigation. *Afghanistan Analysts Network (AAN)*.

42. Mickiewicz, T., & Rebmann, A. (2020). Local social capital and entrepreneurship: The impact of density and activism. *Regional Studies*.
43. Müller, S., & Korsgaard, S. (2018). Becoming a rural entrepreneur: The role of spatial and social embeddedness. *Journal of Rural Studies*.
44. Nixon, H. (2007). The changing face of local government? Community Development Councils in Afghanistan. *Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)*.
45. North, D., & Smallbone, D. (2020). The role of institutions in the development of entrepreneurship in transition economies. *Small Business Economics*.
46. Samandar, R., & Wardak, M. H. (2025). Gender-specific challenges of women entrepreneurs in rural Afghanistan. *Future Trade Quarterly*, 11(1), 1-11.
47. Saxena, S. (2012). Problems faced by rural entrepreneurs and remedies to solve it. *Popular Science*, 1(2), 23-29.
48. Stathopoulou, S., Psaltopoulos, D., & Skuras, D. (2004). Rural entrepreneurship in Europe: A research framework and agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.
49. Strategic Architecture. (2025). Strategic architecture for entrepreneurship development in Afghanistan: A multi-dimensional framework.
50. Strategies for Advancing. (2025). Strategies for advancing rural entrepreneurship in Afghanistan.
51. Tabares, A., Londoño-Pineda, A., Cano, J. A., & Gómez-Montoya, R. (2022). Rural entrepreneurship: An analysis of current and emerging issues from the sustainable livelihood framework. *Economies*, 10(6), 142.
52. UN Women. (2024). Empowering Afghan women through access to finance and markets (Outcome AFG_D_1.2).
53. UN Women. (2025). Gender Index 2024: Afghanistan. *UN Women Afghanistan Country Office*.
54. UNCDF. (2025). Mobilizing private capital for MSMEs in Afghanistan: Catalysing growth.
55. UNDP. (2021a). Entrepreneurship and gender equality in rural Afghanistan. *United Nations Development Programme*.
56. UNDP. (2021b). Women's economic empowerment in Afghanistan: Challenges and opportunities. *United Nations Development Programme*.
57. UNDP. (2022). Afghanistan socio-economic outlook 2022: Poverty and vulnerability. *United Nations Development Programme*.

58. UNDP. (2025). Afghanistan socio-economic review: Fragile gains, deepening subsistence insecurity, 2023–2024. United Nations Development Programme.
59. UNITAR. (2025). Empowering women and youth in Afghanistan: Entrepreneurship training programme conclusion.
60. Welter, F. (2011). Contextualizing entrepreneurship—conceptual challenges and ways forward. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(1), 165-184.
61. Williams, C. C., & Vorley, T. (2015). Institutional asymmetry and the informal economy: A study of rural entrepreneurship. *Journal of Institutional Economics*.
62. World Bank. (2021). Vietnam and Brazil: Comparative studies in agricultural export growth.
63. World Bank. (2023a). Afghanistan development update: Navigating through the crisis. World Bank Group.
64. World Bank. (2023b). Infrastructure challenges in Afghan rural areas. Washington, DC.
65. World Bank. (2024). Afghanistan private sector rapid survey: An assessment of the business environment – Round 3.
66. World Bank. (2025). Afghanistan employment policy note: A focus on youth, women, and employment support programs. World Bank Group.
67. Yar, F. G. M. (2023). Opportunities and challenges of rural entrepreneurship in Afghanistan. *Journal of Entrepreneurial and Business Diversity*, 1(2), 113–119.
68. Yar, F. G. M., & Musadiq, M. (2024). The role and importance of empowering rural communities for rural development in Afghanistan. ResearchGate.
69. Yar, F. G. M., & Nejad, A. H. (2023). Opportunities and challenges of rural entrepreneurship in Afghanistan. *Journal of Entrepreneurial and Business Diversity*, 1(3), 122-128. <https://doi.org/10.38142/jebd.v1i3.88>
70. Yar, F. G. M., & Rahmai, M. (2025). Evaluating community-based development in rural Afghanistan: A comprehensive analysis. *Syntax Transformation*, 6(1).
71. Yar, F. G. M., & Zarghani, S. (2024). The role of social capital and jihadi management in rural entrepreneurship development. *International Journal of Human Capital in Urban Management*.